



فصلنامه علمی پژوهشی
دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت
دوره ۱۳/ شماره ۵۲ (پیاپی ۵۲)/ زمستان ۱۴۰۳
صفحه ۱۳۱ تا ۱۳۶

کارایی رویکرد حسابرسی ریسک تجاری در ایران بر اساس ابعاد تئوری مشروعیت

شعیب رستمی استادکلایه

گروه حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
sh.rostami@qiau.ac.ir

محمدعلی آقایی

دانشیار، گروه حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
aghaeim@modares.ac.ir

کیومرث بیگلر

استادیار، گروه حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
kumars.biglar@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۹

چکیده

حسابرسی ریسک تجاری، یک نوآوری مهم در روش‌شناسی حسابرسی است. این رویکرد بر لحاظ نمودن طیف گسترده‌ای از ریسک‌های تجاری در جهت کسب درک جامع‌تری از صاحبکار به شیوه‌ای ساختاریافته تأکید دارد. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی کارایی رویکرد حسابرسی ریسک تجاری در ایران بر اساس ابعاد تئوری مشروعیت گریونود و همکاران است. تئوری فوق، دریچه‌ای برای درک تجارب و نگرش خبرگان حسابرسی در مورد میزان موفقیت و کارایی «حسابرسی ریسک تجاری» در دستیابی به ابعاد مشروعیت (هنجاری، عملی و شناختی) است. روش پژوهش حاضر از لحاظ هدف، بنیادی و از لحاظ ماهیت، اکتشافی و پیمایشی است. نمونه آماری پژوهش ۳۱ نفر از خبرگان حسابرسی کشور می‌باشند و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته حاوی ۱۹ سوال در سه بُعد مشروعیت هنجاری، عملی و شناختی حسابرسی ریسک تجاری بوده که در سال ۱۴۰۰ انجام شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزار اسپس اس ۲۵ استفاده گردید. نتایج پژوهش حاکی از آن است که رویکرد حسابرسی ریسک تجاری طبق نظر خبرگان و یافته‌های آماری از هر سه بُعد هنجاری، عملی و شناختی دارای مشروعیت بوده و مورد پذیرش می‌باشد. در بُعد هنجاری، با توجه به نقص‌ها و کمبودهای روش فعلی حسابرسی کشور، ادغام این رویکرد در روش فعلی حسابرسی، نویدبخش است. در بُعد عملی، رویکرد حسابرسی ریسک تجاری دارای ارزش ذاتی می‌باشد و به کاهش آزمون‌های اساسی و رفع حسابرسی بیش از حد کمک می‌کند؛ و نهایتاً در بُعد شناختی، این رویکرد روش طبیعی و صحیح انجام حسابرسی است و برای نهادینه‌شدن در فرهنگ حسابرسی به تغییر ذهنیت وابسته است.

واژه‌های کلیدی: حسابرسی ریسک تجاری؛ مشروعیت هنجاری، عملی و شناختی؛ کارایی اجرای حسابرسی؛ ریسک تجاری صاحبکار.

۱- مقدمه

محدودتر و توجه به ریسک‌های تجاری مرتبط با صورت‌های مالی است که احتمالاً تحریف مطالب را در پی دارد. برخی از ناکامی‌ها در بکارگیری این رویکرد در روش‌های حسابرسی موجود، این سؤال را در پی دارد که چرا و در کدام مرحله از فرآیند تغییر از رویکرد سنتی به رویکرد فوق با مشکل مواجه شده‌ایم.

گرینوود و همکاران (۲۰۰۲) در الگوی جامع‌شان که به فرآیند تغییر از یک رویکرد سنتی به رویکرد نوین می‌پردازد، تأکید فراوانی به نقش مهم کسب مشروعیت و تغییر موفق حاصل از آن دارند. مشروعیت را درک یا فرضی تعمیم‌یافته و مبتنی بر این مطلب تعریف می‌کنند که اوضاع درونی برخی از نظام‌ها، بنجارها، ارزش‌ها، باورها و تعاریف اجتماعی مطلوب، مناسب یا صحیح‌اند» (سوچمن ۱۹۹۵). مشروعیت در زمینه تغییر فوق مستلزم شناخت دلایلی است که نیاز به تغییر را توجیه می‌کند و از این رو تغییرات پیشنهادی فوق را شیوه‌ای مناسب برای تقویت عملکرد می‌پذیرد. سوچمن (۱۹۹۵) سه شکل مختلف از مشروعیت را متمایز می‌داند: (الف) مشروعیت اخلاقی در راستای تأیید هنجاری/ رفتاری، (ب) مشروعیت عملی (ارزش ذاتی) و (ج) مشروعیت شناختی بر درک‌پذیری و «بدیهی بودن» استوار است. در شرایط تغییر فوق چنانچه یک نوآوری (رویکرد) با چارچوب‌های هنجاری موجود همسو شود و مناسب ارزیابی شود، در آن صورت مشروعیت هنجاری پیدا می‌کند و چنانچه مخاطب در مورد ارزش عملی و ذاتی این تغییرات متقاعد شود، در آن صورت مشروعیت عمل گرایانه به دست می‌آید و اگر مخاطب مذکور آن را روش طبیعی انجام کارها بداند، آنگاه مشروعیت شناختی حاصل می‌شود (گرینوود و همکاران، ۲۰۰۲). باید توجه داشت که غالباً انواع مشروعیت نظم متوالی و دقیق ندارند و در کنار یکدیگر وجود دارند.

گرینوود و همکاران (۲۰۰۲) معتقدند که مشروعیت باید در حوزه سازمانی شکل بگیرد و حوزه سازمانی «مجموعه‌ای از سازمان‌ها است که همگی حیات نهادی را شکل می‌دهند» (دی‌ماجیو و پاول، ۱۹۹۱). حوزه سازمانی حسابرسی را می‌توان مؤسسات حسابرسی و انجمن‌های حرفه‌ای و نهادهای نظارتی برشمرد.

در مطالعه حاضر نگرش شرکای مؤسسات حسابرسی ایران در خصوص مشروعیت و کارایی رویکرد حسابرسی ریسک تجاری را بررسی خواهیم کرد و بررسی فوق بخش مهمی از حوزه سازمانی حسابرسی است. از آنجایی که مشروعیت نقش مهمی در نهادینه‌سازی تغییرات از رویکرد سنتی حسابرسی به رویکرد

توجه به ریسک تجاری از جمله عواملی است که برای حسابرسان و صاحبکاران اهمیت بسیاری دارد و نهادهای نظارتی و استانداردهاگذاران نیز همواره به آن پرداخته‌اند. در آخرین گزارش انجمن حسابرسان داخلی اروپا^۱ (۲۰۲۰) تحت عنوان تمرکز بر ریسک، توجه به ریسک تجاری در خط مقدم تفکر حسابرسی اشاره گردید و طی نظرسنجی توسط این انجمن، این ریسک جزو ۵ ریسک دارای بالاترین اهمیت در سازمان‌ها بوده و ۱۸ درصد نیز آن را به‌عنوان ریسک شماره یک خود معرفی کردند.

ظهور حسابرسی ریسک تجاری^۲ نوآوری قابل‌توجهی را در روش‌های حسابرسی پدید آورده است (ون بورن و همکاران، ۲۰۱۸). رویکرد مذکور از نظر مفهومی توجه بسیاری به طیف وسیعی از ریسک‌های تجاری و درک جامع‌تر از صاحبکار به شیوه‌ای ساختاریافته دارد. در این رویکرد، حسابرسی از شیوه‌ای موسوم به «رویکرد بالا به پایین» در زمان ارزیابی ریسک تجاری واحد تحت حسابرسی^۳ (صاحبکار) استفاده می‌کند. حسابرسی ریسک تجاری که توجه حسابرس را متمرکز بر ارزیابی جامع و وابسته به هم می‌کند، در مقایسه با رویکردهای حسابرسی سنتی که تلاش حسابرس را متمرکز بر ارزیابی‌های حداقلی یا جزئی ریسک تحریف‌های بااهمیت می‌کنند، می‌تواند احتمال اجرای حسابرسی مؤثر و کارآمد را بالاتر ببرد. این امر می‌تواند، با افزایش آگاهی حسابرس از ریسک‌های موجود در سطح نهاد، منجر به تسهیل توجه بیشتر به خطر تحریف بااهمیت^۴ در صورت‌های مالی واحد تحت حسابرسی و اطلاعات افشاشده مرتبط شود. این افزایش آگاهی می‌تواند منجر به بهبود ارزیابی حسابرس از ریسک تجاری ناشی از ارتباط با واحد تحت حسابرسی و رفع حسابرسی بیش از حد شود (دی‌مارتینز و حوختون، ۲۰۱۹).

می‌توان گفت هر یک از ۴ شرکت بزرگ حسابرسی^۵، تنوع خدماتشان را از شیوه فوق الهام گرفته‌اند. فرآیند فوق را می‌توان انجام آزمون نهادی نیز توصیف کرد که در آن مبتکران، مرزهای زمینه فوق را آزمایش و کاوش می‌کنند و آن را گسترش می‌دهند (مالش و گندرون، ۲۰۱۳).

در زمینه حسابرسی ریسک تجاری اگرچه برخی از عناصر این رویکرد در استانداردهای حسابرسی گنجانده شده‌اند، اما برخی عناصر دیگر نهادینه نشدند (ون بورن و همکاران، ۲۰۱۴؛ کورتیس و همکاران، ۲۰۱۶). از آنجایی که حسابرسی ریسک تجاری توجه بسیاری به مجموعه کاملی از ریسک‌های تجاری صاحبکار دارد، لذا استانداردهای حسابرسی نیازمند یک رویکرد

^۴. Material misstatement

^۵. Big4

^۶. Taken-for-grantedness

^۱. ECIIA

^۲. Business risk audit (BRA)

^۳. Auditee business risk (ABR)

نحوه واکنش شرکای مؤسسات حسابرسی و نهادهای استانداردگذار ایران به رویکرد حسابرسی ریسک تجاری است. یکی از اهداف مفهومی تئوری گرینوود و همکاران (۲۰۰۲) توجه «به نحوه تدوین و پذیرش ادعاها در یک حرفه است». در مطالعه حاضر بر پذیرش تغییر فوق و میل به سوی «حسابرسی ریسک تجاری» به دست حسابرسان، تمرکز می‌گردد. همچنین این احتمال در نظر گرفته می‌شود که چنین پذیرشی آسان حاصل نمی‌شود و در مقابلش مقاومت می‌کنند (دورچر و گندرون ۲۰۱۴). مطالعه دورچر و همکاران (۲۰۱۶) نشان داد که سرپرستان مؤسسات حسابرسی کوچک، بسیاری از ویژگی‌های استانداردهای بین‌المللی حسابرسی را با شرایط صاحبکاران‌شان ناسازگار می‌بینند، اما به جای آنکه در مقابلش مقاومت کنند، از سازوکارهای مختلف از جمله کاربرد انتخابی استانداردها استفاده می‌کنند و اینگونه از منطق انعطاف‌پذیری بهره می‌گیرند.

در پژوهش حاضر از پرسشنامه با رویکرد مصاحبه‌ای و حضوری بهره گرفته شده است تا بتوان تمامی جوانب رویکرد حسابرسی ریسک تجاری و تجربیات نمونه مورد مطالعه را دریافت نمود. نهادهای حرفه‌ای بین‌المللی و هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی، استانداردهای مناسبی از جمله استاندارد ۳۱۵ را تدوین نموده‌اند. اما بیشتر استانداردها از جمله استاندارد مذکور، روش‌های خاص در رسیدگی‌های حسابرسی را پیشنهاد نمی‌کنند، البته محتویات این استانداردها، پذیرش انعطاف‌پذیر (نسبی) «حسابرسی ریسک تجاری» را ممکن می‌سازند. در پژوهش حاضر علاوه بر شرکای مؤسسات حسابرسی معتمد بورس اوراق بهادار تهران، برخی اعضای کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی سازمان حسابرسی و اعضای کارگروه-های فنی و تخصصی حسابرسی جامعه حسابداران رسمی ایران نیز در نمونه گنجانده شده است تا تجربیات متنوعی مطابق با آنچه که پاتون (۲۰۱۵) در خصوص روش‌های ارزیابی مؤثر اشاره نمود حاصل گردد.

دلایل متعددی برای پاسخ به این سوال نیز بررسی گردید که چرا «حسابرسی ریسک تجاری» برای برخی مؤسسات حسابرسی کوچک در برخی کشورها مشروعیت بالایی را به همراه نداشته است. اولین دلیل مشروعیت هنجاری است؛ یعنی حسابرسان کشورهای فوق دریافته‌اند که مفهوم «حسابرسی ریسک تجاری» به‌رغم تلاش‌های اساسی چهارشرکت بزرگ حسابرسی برای مشارکت در نظریه‌پردازی، پیچیدگی دارد. یکی دیگر از عواملی که باعث شد آنها اهمیت اتخاذ «حسابرسی ریسک تجاری» را در نیابند، این بود که باور نداشتند که رویکرد قبلی حسابرسی که در کشورما نیز هم‌اکنون انجام می‌شود بی‌نقص نیست.

نوبن ایفا می‌کند، از این رو بررسی تجارب شرکای مؤسسات حسابرسی، مستقیماً با سؤالات پژوهش که در مورد علت تغییر به سوی حسابرسی ریسک تجاری حاصل آمده است، مرتبط است. بررسی تجارب حسابرسان فوق مهم است، زیرا همان‌طور که دورچر و گندرون (۲۰۱۴) بیان می‌کنند دستیابی به مشروعیت برای بکارگیری یک رویکرد، وحدت شناختی در حوزه سازمانی حسابرسی را ایجاد می‌کند. تسهیم درک مشترک نیز از طریق آموزش و ایجاد بازار تخصصی به ترویج شیوه‌های رایج در این حرفه یاری می‌رساند.

تدوین کنندگان استاندارد همواره نگران ایجاد یک رویه مشترک حسابرسی در این حرفه بوده‌اند و تمایلی به تغییر استانداردهایی ندارند که انجام‌شان دشوار است یا در مقیاس‌های کوچک‌تر، جواب نمی‌دهند (کورتیس و همکاران، ۲۰۱۶). تئوری تغییر نهادی گرینوود و همکاران (۲۰۰۲) چارچوبی دارد که در ارزیابی فرآیند تغییر به سوی حسابرسی ریسک تجاری به کار می‌آید. در این راستا ابتدا از نظریه پردازی شروع می‌کنیم.

نظریه‌پردازی، تعیین مسئله است و مفهوم جدید راه‌حل آن است؛ به عبارتی نظریه‌پردازی توجیه مفهوم جدید در راستای همسوسازی این مفهوم در چارچوب موجود و دستیابی به تأیید هنجاری (مشروعیت هنجاری) است. چنانچه نظریه‌پردازی موفقیت‌آمیز باشد، در آن صورت مخاطب، ارزش عملی رویکرد فوق (مشروعیت عمل‌گرایانه) را نظاره می‌کند. در نهایت پذیرش کامل مفهوم و یک رویکرد جدید در مرحله نهادینه‌سازی مجدد اتفاق می‌افتد و در این مرحله است که مفهوم جدید به عنوان روش طبیعی انجام کارها (مشروعیت شناختی) پذیرفته می‌شود. اگرچه ساختار کلی الگوی این تئوری یک فرآیند متوالی را نشان می‌دهد، اما ساختار فوق تکرارشونده است. مثلاً مشروعیت عمل‌گرایانه، انتشار یک رویکرد را ممکن می‌سازد، اما خود انتشار سبب می‌شود که افراد یک مفهوم را بهینه ببینند و اینگونه مشروعیت عمل‌گرایانه‌اش را افزایش می‌دهد (گرینوود و همکاران ۲۰۰۲). در همین راستا نظریه تغییر فوق، مشروعیت را یک فرآیند می‌شناسد و بنابراین پرسش در خصوص پیاده‌سازی یک رویکرد این است که مشروعیت در مورد آن حاصل شده است یا خیر (سودایی و همکاران، ۲۰۱۷).

الگوی گرینوود و همکاران (۲۰۰۲) بر نقش نوعی از مشروعیت تأکید دارد که از طریق نوآوری درون یک حوزه سازمانی (مانند حسابرسی) و پذیرش گسترده‌اش حاصل آمده است. برخی تحقیقات قبلی حسابرسی بر نوآوری حسابرسی ریسک تجاری در کشورهایی مانند استرالیا، آلمان، هلند و آمریکا پرداخته‌اند. اما تاکنون کارایی و مشروعیت این رویکرد در ایران مورد بررسی قرار نگرفته است. تمرکز مطالعه حاضر بر نگرش و

یافته‌ها ارائه می‌گردد و نهایتاً بخش پایانی به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

الگوی سنتی ریسک حسابرسی که در برخی کشورها استفاده می‌شد، اهمیت ریسک‌های مربوط به تحریف مالی را محدود می‌کرد، اما رویکرد «حسابرسی ریسک تجاری» بر لزوم توجه جامع‌تر به ریسک‌های تجاری و ادغام عمیق‌ترشان در تمام مراحل حسابرسی تأکید دارد (نچل، ۲۰۰۷). هدف رویکرد جدید این است که شرکای حسابرسی و تیم‌شان را قادر سازد تا درک جامع‌تری از ریسک‌های راهبردی صاحبکاران‌شان به دست آورند.

دی‌مارتینز و هوکتون (۲۰۱۹) اشاره می‌کنند که ریسک تجاری واحد تحت حسابرسی یکی از ریسک فاکتورها است که از مجموعه‌ای متشکل از پنج آیتم ارزیابی شده توسط حسابرس ایجاد می‌شود: (۱) ریسک تجاری - خارجی، که خطر محقق نشدن اهداف تجاری نهاد در نتیجه فشارها یا عوامل خارجی (یعنی داخلی و بین‌المللی) از جمله اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را ارزیابی می‌کند؛ (۲) ریسک تجاری - داخلی، که خطر برآورده نشدن اهداف تجاری نهاد در نتیجه عوامل، فشارها یا نیروهای داخلی (یعنی سازمانی) را ارزیابی می‌کند؛ (۳) ریسک راهبردی، که میزان ریسک راهبردی را اندازه‌گیری می‌کند که خطر برآورده نشدن تعهدات قانونی از طریق راهبرد نهاد و فرآیند مدیریت راهبردی تعریف می‌شود؛ (۴) ریسک فرآیند، که خطر برآورده نشدن اهداف توسط فرآیندهای تجاری کلیدی نهاد را ارزیابی می‌کند؛ و (۵) ریسک باقی‌مانده، که خطر لحاظ نشدن تمامی ریسک‌های تجاری قابل ملاحظه توسط نهاد یا میزان عدم کنترل این ریسک‌های راهبردی و فرآیندی را ارزیابی می‌کند.

چنین درک جامعی از صاحبکار وسیله‌ای است که به حسابرسان یاری می‌رساند تا نه تنها ارزیابی ریسک، بلکه تفسیر شواهد حاصل از آزمون‌های اساسی را بهبود بخشند. چهار شرکت بزرگ حسابرسی مدعی‌اند که روش جدید حسابرسی (مبتنی بر ریسک تجاری) برای توجه کامل به پویایی و افزایش پیچیدگی محیط‌ها و صنایع تجاری مختلف ضروری است. از این منظر توسعه روش جدید پیرامون افزایش کیفیت حسابرسی است (ون‌بورن و همکاران، ۲۰۱۸).

اهمیت رویکرد حسابرسی ریسک تجاری در برنامه‌ریزی حسابرسی و ارتباط آن با ماهیت شواهد مورد نیاز حسابرسی و

این یافته‌ها نشان می‌دهد که مبتکران «حسابرسی ریسک تجاری» نتوانسته‌اند بخشی از حوزه سازمانی حسابرسی را متقاعد کنند و زمینه مقاومت در برابر تغییر به سوی این رویکرد را فراهم کرده‌اند. حرفه حسابرسی می‌بایست پایگاه مشتری را برای دانش «حسابرسی ریسک تجاری» را ایجاد کند تا مانع نقش آن در ارتقای حرفه‌ای‌گری نشود (ون‌بورن و همکاران، ۲۰۱۸).

ثانیاً با توجه به مشروعیت عملی درمی‌یابیم که تقریباً نیمی از حسابرسان شرکت‌های فوق‌الذکر این نکته را پذیرفته‌اند که رویکرد جدید مزایایی از جمله کارایی اجرای حسابرسی^۱ دارد. بعلاوه این رویکرد کمک‌شان می‌کند تا حسابرسی را به واقع نظم دهند و درک بهتری از صاحبکار داشته باشند و همین موضوع منجر به انتشار مفاهیم «حسابرسی ریسک تجاری» فراتر از میزان حداقلی که استانداردهای مذکور می‌طلبند می‌شود. سایر حسابرسان پذیرفته‌اند که باید با رویکرد جدید حسابرسی تا جایی که استانداردهای مذکور می‌طلبند، سازگار شوند و در نتیجه کاربرد برخی ابزارهای «حسابرسی ریسک تجاری» را محدود ساخته‌اند.

ثالثاً برخی از حسابرسان شرکت‌های فوق‌الذکر دچار یک تغییر ذهنی شده‌اند و رویکرد حسابرسی ریسک تجاری را روش مناسب و طبیعی برای انجام حسابرسی می‌دانند (مشروعیت شناختی). اگرچه حسابرسان بر این باورند که انجام این تغییر چالش‌برانگیز است و نیازمند دخالت نهادهای نظارتی و استانداردارگذار نیز است. البته ممکن است بعضی از مفاهیم بنیادی این رویکرد با واقعیت شرکت‌های خرد (صاحبکاران کوچک که کنترل‌های داخلی ضعیفی دارند) در تضاد باشد و مانع نهادینه‌سازی کامل رویکرد «حسابرسی ریسک تجاری» شود.

در مقاله حاضر از طریق تعمیق دانش و نگرش شرکای حسابرسی و نهادهای نظارتی و استانداردارگذار در زمینه حسابرسی، مشروعیت و کارایی رویکرد حسابرسی ریسک تجاری در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. چنین پژوهش‌هایی در جهت نوآوری به مطالعات دانشگاهی و حرفه‌ای یاری می‌رسانند و همچنین می‌توانند در درک بهتر فرآیند تغییر رویکرد در یک حرفه مانند حسابرسی مفید واقع می‌شوند.

ادامه این مقاله به چهار بخش تقسیم شده است. بخش بعدی (۳ و ۲) مروری بر «حسابرسی ریسک تجاری» و پیشینه قبلی مرتبط و مقدمه‌ای برای طرح سوالات پژوهش است. در بخش بعد از آن، روش پژوهش تشریح شده است. سپس نتایج و

^۱. Audit production efficiency

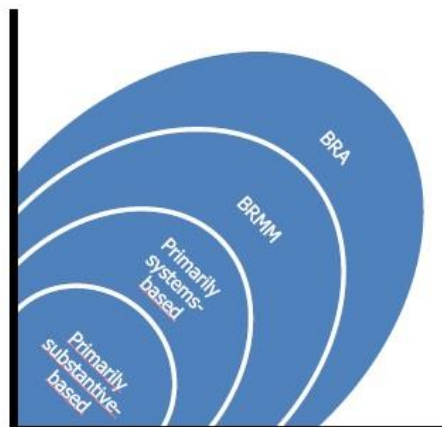
را دریابد». استاندارد مذکور و سایر استانداردهای مرتبط همچنین مرزهای لازم برای توجه به ریسک‌های تجاری را توضیح می‌دهند و خاطرنشان می‌کنند که «حسابرس مسئولیتی در شناسایی یا ارزیابی همه ریسک‌های تجاری ندارد»، بلکه مسئولیتش فقط «شناسایی و ارزیابی مواردی است که به تحریف با اهمیت صورت‌های مالی ختم می‌شود». به علاوه استانداردهای فوق اذعان می‌کنند که «ریسک تجاری، گسترده‌تر از ریسک تحریف‌های با اهمیت است» و «همه ریسک‌های تجاری به ریسک تحریف با اهمیت ختم نمی‌شوند». این نسخه‌ی کوتاه «حسابرسی ریسک تجاری» که در «استانداردهای بین‌المللی حسابرسی» ارائه شده است همان چیزی است که ون بورن و همکاران (۲۰۱۸) آن را «ریسک‌های تجاری عامل ریسک تحریف با اهمیت» می‌نامند.

القداه (۲۰۲۱) تأثیر رویکرد حسابرسی ریسک تجاری را بر کاهش ریسک‌های غیرسیستماتیک در ۲۵ نمونه از بانک‌های اردن بررسی نمود. وی بیان نمود برای کاهش اثر ریسک‌های غیرسیستماتیک و در نتیجه بهبود عملکرد بانکی، می‌توان از رویکرد حسابرسی مبتنی بر ریسک‌های تجاری استفاده نمود. لازم به ذکر است محقق در این پژوهش رویکرد حسابرسی ریسک‌های تجاری را در قالب سه مولفه‌ی ریسک محیط خارجی، ریسک عملیات و ریسک اطلاعات در نظر گرفت و مفهوم ریسک-های غیرسیستماتیک را در قالب ریسک عملیاتی، ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک سرمایه و ریسک اداری لحاظ نمود. نتایج مطالعه نشان داد که رویکرد حسابرسی تجاری با ابعاد ترکیبی آن بر کاهش ریسک‌های غیرسیستماتیک در بانک‌های اردن از نظر آماری معنادار است.

لی و انگوین (۲۰۲۰) به بررسی اتخاذ رویکرد حسابرسی مبتنی بر ریسک نوین برای حسابرسان مستقل ویتنام پرداختند. نمونه آنها شامل ۲۴۶ حسابرس از ۱۲۶ مؤسسه حسابرسی بود. نتایج حاصل از بررسی مصاحبه‌ها نشان داد که موسسات حسابرسی از مزایای پذیرش رویکرد نوین آگاه بودند. با این حال، این روش به میزان متوسطی توسط مؤسسات حسابرسی در ویتنام انجام می‌شود.

دی‌مارتینز و حوکتون (۲۰۱۹) کارایی اجرای حسابرسی را در زمان بکارگیری رویکرد حسابرسی ریسک تجاری بررسی نمودند. آنها به دنبال پاسخ این سوال بودند که آیا رویکرد حسابرسی ریسک تجاری منجر به «ایجاد کارایی در حسابرسی» می‌شود؟ به طور مشخص، آیا پیاده‌سازی رویکرد حسابرسی

سایر رویکردها را ون بورن و همکاران (۲۰۱۸) به صورت زیر به تصویر کشیده‌اند:



شکل ۱. برنامه‌ریزی حسابرسی و رابطه بین ماهیت شواهد و تداوم رویکردهای حسابرسی (ون بورن و همکاران، ۲۰۱۸)

مطابق شکل فوق آنها بیان می‌کنند حسابرسی ریسک تجاری که رأس رویکردها می‌باشد، استفاده گسترده از ارزیابی ریسک تجاری به عنوان بخشی از فرآیند جمع‌آوری شواهد حسابرسی از جمله ارزیابی ریسک‌های مربوط به مدل کسب و کار و همچنین فرآیندهای تجاری کلیدی است.

دومین سطح از بالا، ریسک‌های تجاری عامل ریسک تحریف با اهمیت^۱ است. این رویکرد استفاده متوسط و معمول از ارزیابی ریسک تجاری به عنوان بخشی از فرآیند جمع‌آوری شواهد حسابرسی با تمرکز بر فرآیندهای تجاری کلیدی را شامل می‌شود.

سومین سطح، رویکرد اساساً مبتنی بر سیستم^۲ است. این رویکرد حسابرسی بر سیستم‌های کنترل داخلی به عنوان بخشی ضروری و لازم از فرآیند شواهد حسابرسی با استفاده محدود از ارزیابی ریسک تجاری تمرکز دارد؛ و نهایتاً:

آخرین سطح، رویکرد اساساً مبتنی بر ماهیت^۳ است. این رویکرد حسابرسی بر آزمون‌های اساسی به عنوان بخشی اصلی از فرآیند شواهد حسابرسی با استفاده محدود از ارزیابی ریسک تجاری تمرکز دارد.

رویکرد «حسابرسی ریسک تجاری» تا حدودی در استانداردهای حسابرسی مانند «استاندارد بین‌المللی حسابرسی ۳۱۵ (۲۰۱۹)» گنجانده شده است. استاندارد فوق بر این نکته تأکید دارد که «حسابرس باید اهداف و راهبردهای واحد تجاری

^۲. Primarily Systems Based

^۳. Primarily Substantive Based

^۱. BRMM (Business Risks that result in the risk of Material Misstatements)

در ایران، پژوهشی اجرایی در زمینه رویکرد حسابداری ریسک تجاری انجام نشده است، اما الفتی و اوحدی (۱۴۰۱) به پیش‌بینی ریسک تجاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از تکنیک‌های یادگیری ماشین پرداختند. نتایج نشان داد که عمر شرکت و غیرمتمرکز بودن صنعت بر ریسک تجاری، تأثیر ندارند. آنها بیان نمودند که پیش‌بینی ریسک تجاری شرکت‌ها یکی از موضوعات مورد توجه سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و دولت است.

همچنین خلیلیان موحد و سلیمانی مارشک (۱۳۹۴) در مقاله‌ای مروری برگرفته از مقاله نچل (۲۰۰۷)، رویکرد ریسک تجاری را توصیف نمودند. آنها بیان نمودند ریسک تجاری، احتمال شناسایی ریسک تحریف با اهمیت را افزایش می‌دهد. آنها نهایتاً مروری بر مدل سنجش فرآیند کسب و کار کی‌پی‌ام‌جی^۱ توسط محققان صورت گرفت.

آذین‌فر و همکاران (۱۳۹۸) نیز تأثیر ابعاد ریسک بر قیمت-گذاری حسابداری را بررسی نمودند. نتایج آنها نشان داد که یک رابطه نسبتاً قوی بین ریسک مالی و ریسک عملیاتی با حق-الزحمه حسابداری وجود دارد که از لحاظ آماری معنی‌دار است؛ اما شواهدی مبتنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین ریسک تجاری و حق‌الزحمه حسابداری یافت نشد.

۳- سوالات پژوهش

۳-۱- نظریه‌پردازی نیاز به تغییر به سوی حسابداری

ریسک تجاری (مشروعیت هنجاری)

به عنوان اولین گام مهم در گسترش یک نوآوری و رویکرد جدید، چارچوب گرینوود و همکاران (۲۰۰۲) بر نقش نظریه‌پردازی برای دستیابی به تغییر تأکید می‌کند. یکی از مؤلفه‌های نظریه-پردازی موفق، اشاره به شکست‌های خاص یا مشکلات/کمبودهای نسخه‌های موجود و به تصویر کشیدن مفهوم جدید به عنوان راه‌حل است (تالبرت و زاگر، ۱۹۹۶). این چارچوب مفهومی به تسهیل پذیرش هنجاری آنها (مشروعیت هنجاری) کمک می‌کند تا ایده‌های جدید در چارچوب راه‌حل‌های فعلی مورد حمایت قرار بگیرند (سوچمن، ۱۹۹۵؛ تالبرت و زاگر، ۱۹۹۶). نظریه‌پردازی را می‌توان تلاشی برای تشکیل یک پایگاه دانش مشترک و پرورش تعهد نسبت به آن دانست (دوروجر و گندرون، ۲۰۱۴).

یکی از منابع اصلی برای ارزیابی نظریه‌پردازی در مؤسسات حسابداری چهار شرکت بزرگ، تکننگاری‌های منتشر شده توسط آنها بود (به عنوان مثال تکننگاری‌های شرکت کی‌پی‌ام‌جی، بل

ریسک تجاری منجر به رفع حسابداری بیش از حد و در نتیجه تقویت کارایی اجرای حسابداری از طریق این نوع از حسابداری‌های تعدیل شده با ریسک می‌شود یا خیر. آنها معتقد بودند ظهور مجدد این رویکرد منجر به تثبیت بیشتر جایگاه آن در شیوه و رویه حسابداری معاصر می‌شود و به احتمال بسیار بالا، این رویکرد از شوک بعدی به صنعت حسابداری (اگر بوجود آید) جان سالم به در خواهد برد و دوباره بحث‌هایی را از جانب مدافعان و حامیان آن به وجود خواهد آورد. نتایج تحقیق آنها نشان داد رویکرد حسابداری ریسک تجاری می‌تواند منجر به بهبود کیفیت حسابداری هم از منظر کارایی و هم از منظر اثربخشی شود. همچنین رسیدگی‌های حسابداری زمانی کارآمدترند که از سطح «فناوری حسابداری» بالاتری برخوردار باشند، یعنی ساعات فعالیت درک ریسک و برنامه‌ریزی قضاتوی بیشتر و سرپرستان حسابداری با سابقه بیش از ۱۰ سال کار در این صنعت داشته باشند. نهایتاً این محققان عنوان کردند رویکرد حسابداری ریسک تجاری که در این چارچوب اعمال شد آنچه ادعا داشت عملی کرد: یعنی، کنترل سطح اقدامات حسابداری جهت ایجاد تناسب با سطح ریسک قرارداد حسابداری.

چنگ و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی ناکارایی فنی و تخصیصی (کارکنان مؤسسات حسابداری) با قیمت‌گذاری حسابداری پرداختند. آنها اعتقاد داشتند آن‌چه که اهمیت خاصی دارد مطالعات کم در زمینه کارایی فرآیند (اجرای) حسابداری است که واحد تحلیل آن قراردادهای حسابداری یا تیم حسابداری باشد. آنها بیان نمودند یکی از مزایای بررسی قراردادهای تنها یک مؤسسه حسابداری برای پژوهش، امکان لحاظ کردن مشخصات اندازه‌گیری‌نشده حسابداری مثل فناوری و سبک حسابداری است که بر اجرای حسابداری تأثیر می‌گذارد. به نظر این محققان، نقش حیاتی جهانی مؤسسات حسابداری، همراه با کمبود نیروی متخصص و همچنین فشار روبه‌پایین بر هزینه‌ها، اهمیت درک کارایی در این صنعت را افزایش داده است.

کورتیس و همکارانش (۲۰۱۶) نتیجه می‌گیرند که مفهوم حسابداری ریسک تجاری جان تازه گرفته است. پیشرفت‌های فناورانه و دامنه وسیع گزارشگری مالی نظیر گزارشگری یکپارچه و لزوم توجه به پایداری کسب‌وکار سبب شده است که رویکردهای حسابداری مبتنی بر ریسک‌های تجاری محبوب شود. همچنین تحقیقات حسابداری رفتاری، شواهدی را ارائه می‌کنند که نشان می‌دهد «حسابداری ریسک تجاری» سبب افزایش اثربخشی قضاوت‌های حسابداری می‌شود (رایت، ۲۰۱۶).

^۱. KPMG

با این حال، اجرای حسابرسی ریسک تجاری به دلیل تنوع صنایع و کسب و کارها، چالش برانگیز می‌باشد. حتی حسابرسان چهارشرکت بزرگ حسابرسی، برخی اوقات از رویکرد فوق فقط به عنوان "روش‌های افزودنی" استفاده می‌کنند، زیرا ممکن است حسابرسان تمایلی به کاهش روش‌های سنتی حسابرسی نداشته باشند. این رفتار منجر به "حسابرسی بیش از حد" یعنی ناکارایی حسابرسی می‌شود.

همان‌طور که پیش‌تر مطرح شد رویکرد جدید تا حدودی در استانداردهای حسابرسی مانند استاندارد بین‌المللی حسابرسی ۳۱۵ گنجانده شده است. این انتشار و نفوذ دیدگاه-های ریسک تجاری در عملکرد و رویه حسابرسی از طریق استانداردهای حرفه‌ای نشان می‌دهد که رویکرد جدید، حداقل درجاتی از مشروعیت عملی را در زمینه سازمانی حسابرسی کسب کرده است. علاوه بر این، نفوذ و انتشار این دیدگاه می‌تواند به مشروعیت عملی کمک کند. هرچه نوآوری‌ها ساختار یافته و عینی شوند، ارزش درک شده آنها می‌تواند با تأثیری که مشروعیت عملی می‌یابند و منجر به انتشار بیشتر می‌شوند، بهبود یابد (تالبرت و ذاکر، ۱۹۹۶؛ گرینوود و همکاران، ۲۰۰۲). بنابراین ما علاقه‌مندیم بدانیم که حسابرسان کشور، کمبودهای موجود در روش حسابرسی فعلی را می‌پذیرند و شروع به دیدن ارزش لحاظ کردن ارزیابی ریسک‌های تجاری در رسیدگی‌های حسابرسی کرده‌اند. در این راستا دومین پرسش پژوهش به شکل مطرح می‌گردد:

سوال ۲- آیا رویکرد حسابرسی ریسک تجاری در ایران، مشروعیت عملی (ارزش ذاتی) دارد؟

۳-۳- پذیرش حسابرسی ریسک تجاری به عنوان روش طبیعی انجام حسابرسی (مشروعیت شناختی)

نهادینه‌سازی و در واقع اتخاذ جامع و پایدار مفهوم جدید، نیاز به تغییر در ذهنیت دارد. ضروری است که حسابرسان از رویکرد قدیمی دور شده و این باور را داشته باشند که مفهوم جدید، روش طبیعی انجام حسابرسی است. حرکت به سمت حسابرسی ریسک تجاری نیاز به تغییر پارادایم‌ها دارد. همان‌طور که نچل (۲۰۰۷) می‌گوید، "آنچه مورد نیاز بود چیزی نبود که بتواند مجدداً به چگونگی فکر حسابرسان در مورد حسابرسی بازگردد". در این مطالعه ما بررسی می‌کنیم که خبرگان حسابرسان ایران چگونه به حسابرسی ریسک تجاری از نظر مشروعیت شناختی می‌نگرند. در حالی که بخشی از این رویکرد در استانداردهای حسابرسی گنجانده شده است، سوال این است که آیا برخی از حسابرسان شروع به درک رویکرد فوق به جهت

و همکاران، ۱۹۹۷؛ و بل و همکاران، ۲۰۰۵). بل و همکاران (۲۰۰۵) با بیان این جمله آغاز کردند که وجود نوآوری‌ها در فن‌آوری اطلاعات، فضای کسب و کار را تغییر داده و کارآمدتر و مؤثرتر شده است و این موضوع، استفاده از روش‌شناسی (سنتی) را کمتر می‌کند.

با این حال تحقیقات قبلی نشان می‌دهند که حسابرسان حتی در شرکت‌های بزرگ حسابرسی نیز در زمینه ایجاد رویکرد جدید با دشواری‌هایی روبرو شده‌اند (ون‌بورن و همکاران، ۲۰۱۸). ظهور حسابرسی ریسک تجاری را می‌توان تلاشی برای مشروعیت بخشیدن به گسترش حوزه حسابرسی دانست. این تغییر، پیامدهایی را برای ساخت و بازسازی روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در حوزه حسابرسی خواهد داشت. ما علاقه‌مند به این موضوع هستیم که دریابیم حسابرسان چه تغییراتی را در پاسخ به برخی کمبودهای روش حسابرسی فعلی کشور (روش سنتی و قبلی بسیاری از کشورها) یافتند و همچنین آنها تا چه اندازه ادغام رویکرد حسابرسی ریسک تجاری در روش‌های حسابرسی فعلی را نویدبخش می‌دانند. در این راستا اولین پرسش پژوهش به شکل زیر می‌باشد:

سوال ۱- آیا رویکرد حسابرسی ریسک تجاری در ایران، مشروعیت هنجاری دارد؟

۳-۲- ایجاد ارزش ذاتی (مشروعیت عملی)

وقتی افراد مرتبط فکر می‌کنند که رویکرد جدید مفید است (مشروعیت عملی)، انتشار وسیع‌تری از مفاهیم جدید اتفاق می‌افتد. مؤسسات بزرگ حسابرسی، حسابرسی ریسک تجاری را به عنوان یک روش مفید در جهت افزایش کیفیت حسابرسی توسعه دادند (دی‌مارتینز و حوقتون، ۲۰۱۹). بررسی جامع ریسک‌های تجاری تحت این رویکرد جدید ادعا شد تا دیدگاه جامع‌تری را ارائه دهد که هم به اثربخشی حسابرسی (شناسایی خطاها) و هم به کارایی حسابرسی (کاهش آزمون‌های اساسی و رفع حسابرسی بیش از حد) کمک می‌کند.

بعلاوه، ارتقای سطح بین‌حرفه‌ای حسابرسان در جامعه حسابرسی ممکن است به مشروعیت عملی استانداردهای جدید ریسک کمک کند. یعنی حسابرسان می‌خواهند از شیوه‌های حسابرسی در مؤسسات حسابرسی کوچک و متوسط با شرکت‌های بزرگ حسابرسی ارتباط برقرار کنند و از انطباق با استانداردهای بین‌المللی حسابرسی به عنوان راهی برای تمیز دادن خود به عنوان حسابرسان با کیفیت بالا استفاده کنند (سامسونوا و تادی، ۲۰۱۳).

داشتن دانش تخصصی در تیم حسابرسی ۵- استفاده از متخصصان فناوری اطلاعات در تیم حسابرسی ۶- درک عمیق سیستم کنترل داخلی صاحبکار ۷- بهبود به کارگیری تردید حرفه‌ای در انجام رویه‌های ارزیابی ریسک ۸- تقاضای قابل توجه توسط مدیریت برای مشاوره/ خدمات غیرحسابرسی ۹- فقدان شواهد مستقیم حسابرسی با فرض عدم محدودیت‌های صاحبکار. برای سنجش بُعد مشروعیت هنجاری حسابرسی ریسک تجاری، ۵ سوال (شاخص) مدنظر قرار گرفت که عبارتند از: ۱- نقش حسابرس در حاکمیت داخلی ۲- نقش حسابرس در ارائه اطمینان نسبت به انجام الزامات مربوط به نگهداشت سرمایه در مقابل ارائه اطمینان نسبت به اندازه‌گیری سود ۳- اهمیت اهداف مالیاتی در مقابل اهداف گزارشگری مالی یک صاحبکار حسابرسی شده ۴- نقش حسابرس در ارائه اطمینان از دید درست و منصفانه صورت‌های مالی به تأمین‌کنندگان ۵- نقش حسابرس در ارائه اطمینان از دید درست و منصفانه صورت‌های مالی به سرمایه‌گذاران. برای سنجش بُعد مشروعیت شناختی حسابرسی ریسک تجاری نیز، ۵ سوال (شاخص) مدنظر قرار گرفت که عبارتند از: ۱- ارزیابی ریسک تجاری صاحبکار ۲- سطح بندی ریسک تجاری صاحبکار ۳- شناسایی و انجام روش‌های تحلیلی اساسی ۴- انجام روش‌های تحلیلی مبتنی بر تبیین موقعیت تجاری صاحبکار و ۵- ارزیابی کنترل‌های سطح نهاد. برای سنجش روایی سوالات در این پژوهش، روایی محتوا مدنظر قرار گرفت، منظور از اعتبار محتوا نوعی اعتبار است که برای بررسی اجزای تشکیل دهنده یک ابزار اندازه‌گیری به کار برده می‌شود. اعتبار محتوا یک ابزار اندازه‌گیری به سوالات تشکیل دهنده آن بستگی دارد. اگر سوالات پرسشنامه، معرف ویژگی‌ها و مهارت‌های ویژه‌ای باشد که محقق قصد اندازه‌گیری آنها را داشته باشد، آزمون دارای اعتبار محتوا است. اعتبار محتوا یک آزمون معمولاً توسط افرادی متخصص در موضوع مورد مطالعه تعیین می‌شود. در پژوهش حاضر همان‌طور که پیش‌تر مطرح گردید سوالات پرسشنامه از طریق بحث و تبادل نظر با صاحب‌نظران اجرایی و استانداردها در حوزه مربوطه طراحی شده و توسط آنان تأیید شده است و لذا از روایی لازم برخوردار خواهد بود. لازم به توضیح است به جهت سنجش پایایی و اعتبار پرسشنامه نیز، ابتدا پرسشنامه در بین ۸ خبره توزیع و تکمیل شد. نتایج حاصل از بررسی پایایی با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ در نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس به قرار زیر می‌باشد که حاکی از آن است، هر سه بخش پرسشنامه و همچنین کل پرسشنامه از پایایی کافی جهت سنجش موضوع موردنظر برخوردار می‌باشد.

داشتن سطح بالایی از مشروعیت شناختی کرده‌اند؟ به طور خاص، ما ابتدا علاقه مندیم بدانیم که حسابرسان در حرکت به سمت روش حسابرسی ریسک تجاری تا چه اندازه تغییر ذهنیت داده‌اند و ثانیاً، برای آن دسته از حسابرسان که عناصر اصلی این رویکرد را در رسیدگی‌های خود استفاده کرده و یا مفاهیم آن را کاملاً می‌شناسند، بررسی می‌کنیم که آیا آنها اکنون حسابرسی ریسک تجاری را به عنوان روش طبیعی و عادی انجام حسابرسی در نظر می‌گیرند یا خیر. در این راستا سومین پرسش پژوهش به شکل زیر ارائه می‌شود:

سوال ۳- آیا رویکرد حسابرسی ریسک تجاری در ایران، مشروعیت شناختی دارد و می‌تواند به عنوان روش طبیعی انجام حسابرسی در نظر گرفته شود؟

۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، بنیادی و از بُعد شیوه سنجش و گردآوری داده‌ها جزو پژوهش‌های اکتشافی و پیمایشی است. روش پژوهش حاضر ماهیتاً کیفی است تا از این طریق، مبنایی برای کسب نگرش نمونه آماری فراهم گردد. تحقیقات کیفی فرصتی فراهم می‌کنند تا وارد دنیای تخصصی افراد مورد بررسی شویم و نظرات و تجارب‌شان را در مورد موضوعات خاص نشان دهیم (پاور و گندرون، ۲۰۱۵). ابزار گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر، پرسشنامه محقق ساخته بوده است. در این راستا جهت تبیین سوالات پرسشنامه، ضمن استفاده از ابعاد تئوری مشروعیت‌گرینوود و همکاران (۲۰۰۲)، ادبیات مرتبط در زمینه حسابرسی ریسک تجاری به طور دقیق مورد مطالعه قرار گرفته و شرایط محیطی کشور نیز در طراحی سوالات اعمال گردید. در ابتدا پرسشنامه‌ای با طیف لیکرت حاوی ۲۰ سوال در سه بُعد/ عامل (مشروعیت هنجاری، مشروعیت عملی و مشروعیت شناختی حسابرسی ریسک تجاری)، طراحی و در اختیار دو تن از خبرگان اجرایی (شریک مؤسسه حسابرسی)، دو تن از اعضای کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی سازمان حسابرسی و دو تن از اعضای هیئت علمی دانشگاه با تخصص پژوهشی حسابرسی قرار داده شد. پس از بحث و تبادل نظر، یک سوال حذف، متن دو سوال، تغییر و نهایتاً پرسشنامه‌ای حاوی ۱۹ سوال جهت توزیع در نمونه نهایی تصویب گردید.

لازم به ذکر است تعریف عملیاتی هر یک از ابعاد مورد بررسی نیز بدین شرح می‌باشد: برای سنجش بُعد مشروعیت عملی حسابرسی ریسک تجاری، ۹ سوال (شاخص) مدنظر قرار گرفت که عبارتند از: ۱- پیچیدگی بالای عملیات تجاری صاحبکار ۲- ریسک بالای دادخواهی و قضائی (تعهدات قانونی) حسابرس ۳- ریسک قابل توجه شهرت (اعتبار) حسابرس ۴-

جدول ۱. نتایج ضریب آلفای کرونباخ

ردیف	پرسشنامه	تعداد سوالات	ضریب آلفا
۱	مشروعیت هنجاری حسابرسی ریسک تجاری	۵	۰.۷۴۵
۲	مشروعیت عملی حسابرسی ریسک تجاری	۹	۰.۷۱۹
۳	مشروعیت شناختی حسابرسی ریسک تجاری	۵	۰.۸۲۸
	کل پرسشنامه	۱۹	۰.۷۰۶

۲) شریک مؤسسه حسابرسی (معمد بورس گرید الف) و یا عضو کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی سازمان حسابرسی / کارگروه‌های فنی و تخصصی جامعه حسابداران رسمی ایران باشد.

۳) هم به لحاظ علمی و هم به لحاظ اجرایی، به واقع خبره و صاحب نظر باشد.

۴) در صورت احراز شرایط فوق، طی گفتگوی اولیه پژوهشگر با خبره موردنظر، با اجرای رویکرد حسابرسی ریسک تجاری و یا با مفاهیم تخصصی آن کاملاً آشنا باشد.

با اعمال موارد فوق، تعدادی نمونه در دسترس شناسایی گردید و پژوهشگر توزیع پرسشنامه را آغاز نمود. لازم به توضیح است، تکمیل پرسشنامه‌ها کاملاً حضوری و به شکل مصاحبه چهره به چهره بوده و بازه زمانی آن از مرداد ماه الی آذر ماه ۱۴۰۰ می-باشد. ضمن آنکه در انتهای تکمیل هر پرسشنامه، نظر خبره موردنظر در زمینه خبره بعدی برای تکمیل پرسشنامه با توصیف شروط فوق نیز دریافت شده است. نهایتاً تعداد ۳۱ نفر از خبرگان با مشخصات درج شده در جدول ۲ به عنوان نمونه نهایی پژوهش تعیین شدند و پرسشنامه توسط آنها تکمیل گردید.

۴-۱- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش، شرکای مؤسسات حسابرسی معتمد بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند. لازم به ذکر است همان‌طور که پیش-تر مطرح گردید در جهت ارزیابی مؤثر (پاتون، ۲۰۱۵)، اعضای کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی سازمان حسابرسی و اعضای کارگروه‌های فنی و تخصصی حسابرسی جامعه حسابداران رسمی ایران نیز به عنوان نهادهای استانداردگذار در نظر گرفته شدند. به جهت کسب اطلاعات مناسب، دقیق و مؤثر، نمونه آماری بر اساس شرایط زیر انتخاب گردیدند:

۱) حداقل ۱۰ سال سابقه اجرایی در زمینه حسابرسی داشته باشد.

جدول ۲. ویژگی‌های نمونه آماری

معیار	آمار	فراوانی	درصد
جنسیت	شرکای حسابرسی	۲۶	۸۴
	مرد	۲۹	۹۴
	زن	۲	۶
	جمع	۳۱	۱۰۰٪
تحصیلات	کارشناسی	۵	۱۶
	ارشد	۱۰	۳۲
	دکتری	۱۶	۵۲
	جمع	۳۱	۱۰۰٪
	سابقه خدمت	جمع	۳۱
معیار	آمار	فراوانی	درصد
	شرکای حسابرسی	۲۶	۸۴
	اعضای کمیته تدوین استانداردهای سازمان حسابرسی	۲	۶
	اعضای کارگروه‌های فنی و تخصصی جامعه حسابداران رسمی	۳	۱۰
سابقه خدمت	جمع	۳۱	۱۰۰٪
	۱۰ تا ۱۵ سال	۱۰	۳۲
	۱۶ تا ۲۰ سال	۷	۲۳
	بالای ۲۰ سال	۱۴	۴۵
	جمع	۳۱	۱۰۰٪

همان‌گونه که مشاهده می‌شود بالاترین میانگین مربوط به عامل مشروعیت عملی حسابرسی ریسک تجاری، ۳.۷۸ و پایین-ترین میانگین مربوط به عامل مشروعیت شناختی حسابرسی ریسک تجاری، ۳.۲۹ می‌باشد. مقادیر انحراف معیار نیز برای

۵- یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی عوامل پژوهش در جدول ذیل نشان داده شده که از بین ۳۱ پرسشنامه بدست آمده است.

مانند آنچه که در مبانی نظری طراحی این سوال مطرح شد، نظریه پردازی (کمبود و نقص های رویکرد حسابرسی فعلی) حائز اهمیت است که توسط بسیاری از خبرگان نمونه نیز مورد بحث قرار گرفته است. برای مثال به دو نقل قول زیر اشاره می کنیم: اولین مورد اشاره به آن دارد که: «فرض کنید از منظر مفهومی، رویکرد فعلی حسابرسی کشور همچنان فعال بماند، در این صورت چنانچه تمرکز کافی نداشته باشید، همچنان این خطر وجود دارد که چیزهای مهمی را در رسیدگی از دست بدهید». دومین مورد اشاره به آن دارد که: «وقتی ناگزیرید تعهدات و گزارشات حسابرسی خود را تا انتهای مهترمه به پایان برسانید و همزمان ۵۰ تعهد حسابرسی دارید، دیگر رویکرد فعلی که نیازمند صرف وقت بسیاری برای رسیدگی هر صاحبکار است جواب نمی دهد و این همان جایی است که رویکرد جدید می تواند مؤثر واقع شود».

خبرگان فوق در رابطه با رویکرد فعلی به مشکل اثربخشی (نقل قول اول) و مشکل کارایی (نقل قول دوم) اشاره داشتند. اگرچه نقل قول ها آشکارا نشان نمی دهند که آیا حل مشکلات فوق به یک برنامه «حسابرسی ریسک تجاری» تمام عیار نیاز دارد یا خیر اما برخی کمبودها و نقص های رویکرد فعلی را به وضوح نشان می دهند. البته ذکر این نکته ضروری است که در محیط کشور ایران (ارتباط بین صاحبکار و حسابرس) و در بحث مشکل کارایی، عوامل دیگری علاوه بر عدم ارزیابی جامع ریسک تجاری صاحبکار توسط حسابرس می توان برشمرد که منجر به تأخیر در ارائه گزارش صورتهای مالی حسابرسی شده و یا همان مشکل انجام چندین رسیدگی (چندین صاحبکار) توسط حسابرس مستقل در مدت زمان کوتاه باقی مانده می شود، از جمله:

- ✓ عدم ارسال به موقع صورتهای مالی نهایی حسابرسی نشده توسط صاحبکار و یا تعدیل چندباره و ثبت برخی رویدادهای ثبت نشده پس از تحویل صورت مالی به حسابرس مستقل.
- ✓ عدم نیروی کارآمد کافی در مؤسسات حسابرسی به نسبت تعداد کارهای دریافتی.
- ✓ حجم وسیع کارهای دریافتی یک مؤسسه و عدم وجود محدودیت در دریافت کار که به نوبه خود، بند قبلی را برجسته می کند.

با توجه به نظرات فوق، کمبود و نقص در رویکرد فعلی حسابرسی کشور مشهود است. از طرف دیگر، طبق نتایج، مشروعیت هنجاری رویکرد حسابرسی ریسک تجاری نیز مورد پذیرش خبرگان واقع شده است. آنچه اهمیت دارد درک پذیری رویکرد جدید است و فارغ از بحث استانداردها گذاری و لازم الاجرا شدن،

عوامل پژوهش شامل بیشترین انحراف معیار مربوط به مشروعیت شناختی حسابرسی ریسک تجاری، ۰.۸۳۱ و کمترین مربوط به مشروعیت عملی حسابرسی ریسک تجاری، ۰.۴۵۶ است.

جدول ۳. آمار توصیفی

عوامل	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
مشروعیت هنجاری حسابرسی ریسک تجاری	۲.۶۰	۴.۸۰	۳.۶۱	۰.۶۲۴
مشروعیت عملی حسابرسی ریسک تجاری	۳	۴.۷۸	۳.۷۸	۰.۴۵۶
مشروعیت شناختی حسابرسی ریسک تجاری	۲	۴.۸۰	۳.۲۹	۰.۸۳۱

در بخش بعدی به تحلیل نتایج پرسش های پژوهش پرداخته خواهد شد. با توجه به رویکرد اکتشافی و وجود پرسش در پژوهش، از مقایسه میانگین ها و تفسیر پاسخ های خبرگان جهت تحلیل پرسش ها استفاده شده است. در این راستا با توجه به طیف گزینه های هریک از سوالات و سه عامل پرسشنامه که بر اساس طیف لیکرت پنج گزینه ای و بر اساس پیوستار «اصلاً مهم نیست (کاملاً مخالفم) تا خیلی مهم (کاملاً موافقم)» طراحی گردیده است، وجود میانگین ۳ به عنوان شاخص بی اثر، معیار تحلیل پرسش های پژوهش خواهد بود و سپس از آزمون فریدمن جهت رتبه بندی هریک از عوامل استفاده خواهد شد. لازم به توضیح است تمامی یافته های پژوهش در اختیار سه تن از خبرگان نمونه مورد مطالعه (یک شریک موسسه، یک عضو کمیته تدوین استانداردهای سازمان حسابرسی و یک عضو کارگروه جامعه) قرار داده شد و در این راستا مورد بازبینی و تأیید قرار گرفتند.

۵-۱- نتایج تحلیل پرسش اول پژوهش

سوال اول پژوهش این موضوع را مطرح نمود که آیا رویکرد حسابرسی ریسک تجاری در ایران، مشروعیت هنجاری دارد؟ نتایج میانگین کسب شده برای عامل مشروعیت هنجاری حسابرسی ریسک تجاری حاصل از ۳۱ پرسشنامه، ۳.۶۱ می باشد که بزرگتر از عدد میانگین ۳ بوده و موید آن است که پاسخ خبرگان نسبت به این سوال مثبت است و بکارگیری رویکرد حسابرسی ریسک تجاری در حرفه حسابرسی ایران از لحاظ هنجاری دارای مشروعیت می باشد. در تکمیل نتایج پرسش اول پژوهش، ذکر گزیده موارد تفسیری ذیل که مستقیماً از خبرگان نمونه پژوهش دریافت گردیده است حائز اهمیت است.

در رسیدگی‌های حسابرسی دارد. البته در مشروعیت عملی این رویکرد ملاحظات ذیل نیز حائز اهمیت است:

✓ اجرای کامل حسابرسی فوق به صنعت صاحبکار و شرایط خاص آن نیز بستگی دارد. چنانچه کنترل‌های داخلی به طور مؤثر عمل نکنند، اجرای کامل «حسابرسی ریسک تجاری» برای برخی صاحبکاران مقدور نیست.

✓ با توجه به بند فوق در صورت وجود سیستم کنترل داخلی ضعیف، حساب‌برسان به سمت روش سنتی سوق داده می‌شوند که مستلزم صرف زمان زیادتر است و عملاً با دیدگاه جدید، خدمات حسابرسی به این نوع صاحبکاران منقطع می‌شود.

با توجه به نظرات فوق، لحاظ کردن ارزیابی ریسک‌های تجاری در رسیدگی‌های حسابرسی، ارزشمند است. از طرف دیگر این موضوع که دیدگاه‌های ریسک تجاری از طریق استانداردهای حرفه‌ای در رویه‌های حسابرسی نفوذ کرده باشد و همچنین منجر به کاهش آزمون‌های اساسی و رفع حسابرسی بیش از حد شود نیز در دیدگاه‌های خبرگان مشهود است. نتایج نظرسنجی نیز موید پذیرش مشروعیت عملی این رویکرد طبق دیدگاه خبرگان می‌باشد.

۵-۳- نتایج تحلیل پرسش سوم پژوهش

سوال سوم پژوهش این موضوع را مطرح نمود که آیا رویکرد حسابرسی ریسک تجاری در ایران، مشروعیت شناختی دارد و به عنوان روش طبیعی انجام حسابرسی در نظر گرفته می‌شود؟

نتایج میانگین کسب شده برای عامل مشروعیت شناختی حسابرسی ریسک تجاری حاصل از ۳۱ پرسشنامه، ۳.۲۹ می‌باشد که بزرگتر از عدد میانگین ۳ بوده و موید آن است که پاسخ خبرگان نسبت به این سوال مثبت است و بکارگیری رویکرد حسابرسی ریسک تجاری در حرفه حسابرسی ایران از لحاظ شناختی دارای مشروعیت می‌باشد و می‌تواند به عنوان روش طبیعی انجام حسابرسی در نظر گرفته شود. مانند تحلیل دو پرسش قبلی، در تکمیل نتایج پرسش سوم پژوهش نیز، ذکر گزیده موارد تفسیری ذیل که مستقیماً از خبرگان نمونه پژوهش دریافت گردیده است ارائه می‌گردد.

مانند آنچه که در مبانی نظری طراحی این سوال مطرح شد، تغییر ذهنیت حساب‌برسان برای نهادینه‌سازی یک رویکرد حائز اهمیت است. در این راستا به نقل قول‌هایی از خبرگان اشاره می‌کنیم:

«رویکرد حسابرسی ریسک تجاری یک راه دیگر تفکر در مورد حسابرسی است و مهم برخورداری از تفکر درست است»

می‌بایست جهت بکارگیری جامع و تحقق مشروعیت هنجاری این رویکرد، آموزش‌های تخصصی در این زمینه برای کارکنان مؤسسات حسابرسی صورت پذیرد. ایجاد مشروعیت هنجاری از طریق نظریه‌پردازی مستلزم تدوین چارچوبی قابل فهم و انتزاعی است تا از این طریق انتقال مؤثر مفاهیم رویکرد جدید محقق شود.

۵-۲- نتایج تحلیل پرسش دوم پژوهش

سوال دوم پژوهش این موضوع را مطرح نمود که آیا رویکرد حسابرسی ریسک تجاری در ایران، مشروعیت عملی (ارزش ذاتی) دارد؟

نتایج میانگین کسب شده برای عامل مشروعیت عملی (ارزش ذاتی) حسابرسی ریسک تجاری حاصل از ۳۱ پرسشنامه، ۳.۷۸ می‌باشد که بزرگتر از عدد میانگین ۳ بوده و موید آن است که پاسخ خبرگان نسبت به این سوال مثبت است و بکارگیری رویکرد حسابرسی ریسک تجاری در حرفه حسابرسی ایران از لحاظ عملی دارای مشروعیت می‌باشد و ارزش ذاتی دارد. مانند تحلیل پرسش اول، در تکمیل نتایج پرسش دوم پژوهش، ذکر گزیده موارد تفسیری ذیل که مستقیماً از خبرگان نمونه پژوهش دریافت گردیده است ارائه می‌گردد.

مانند آنچه که در مبانی نظری طراحی این سوال مطرح شد، اولاً انتشار و نفوذ دیدگاه‌های ریسک تجاری در عملکرد و رویه حسابرسی از طریق استانداردهای حرفه‌ای و ثانیاً کارایی اجرای (رسیدگی) حسابرسی، حائز اهمیت است. در این راستا به نقل قول یکی از خبرگان اشاره می‌کنیم:

«تغییر در جهت «حسابرسی ریسک تجاری» یک تغییر قابل توجه است. حسابرسی فوق شامل چک‌لیست‌های بسیار و سؤالات بی‌شماری است که بر اساس «استانداردهای بین‌المللی حسابداری» قابل تدوین هستند».

نقل قول دیگر بدین شکل می‌باشد:

«رویکرد حسابرسی ریسک تجاری با توجه به سطح بندی صاحبکار از لحاظ ریسک تجاری در ابتدای کار، قابلیت صرف زمان کمتر در رسیدگی و تخصیص منابع کمتر را در پی دارد. رویکرد جدید آگاه‌مان می‌سازد که کارهای درست را انجام دهیم».

نقل قول اول نشان می‌دهد که ارجاع به «استانداردهای حسابرسی» و چک‌لیست‌ها، حاکی از کاربرد رسمی‌تر «حسابرسی ریسک تجاری» است. در واقع می‌توان ابتدا از الزامات نهادهای قانون‌گذار برای بکارگیری رویکرد استفاده نمود و سپس به مرور زمان آن را به یک فرهنگ حسابرسی مبدل نمود. نقل قول دوم نیز به وضوح حکایت از کارایی این رویکرد

۵-۴- آزمون فریدمن

پس از ارائه نتایج تحلیل پرسش‌های پژوهش، در ادامه به رتبه‌بندی هریک ابعاد مشروعیت رویکرد حسابرسی ریسک تجاری پرداخته شده است. برای این کار از آزمون فریدمن که برای رتبه‌بندی به کار می‌رود استفاده گردید که نتایج حاصل از آن در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۴. نتایج آزمون فریدمن

رتبه	میانگین رتبه	عوامل
دوم	۲.۰۶	مشروعیت هنجاری حسابرسی ریسک تجاری
اول	۲.۱۳	مشروعیت عملی حسابرسی ریسک تجاری
سوم	۱.۸۱	مشروعیت شناختی حسابرسی ریسک تجاری

همان‌طور که مشخص است با توجه به میانگین رتبه بدست آمده از آزمون فریدمن، مشروعیت عملی در رتبه اول، مشروعیت هنجاری در رتبه دوم و مشروعیت شناختی در رتبه سوم قرار دارد. در واقع رتبه‌های بدست آمده، در راستای میزان میانگین حاصل از پاسخ‌های ۳۱ خبره که پیش‌تر در مورد آن صحبت کرده بودیم می‌باشد و همان‌طور که مشروعیت عملی بالاترین میانگین را داشت در این آزمون نیز با توجه به میانگین رتبه در صدر قرار گرفته است. بنابراین می‌توان بیان نمود خبرگان بر روی داشتن مشروعیت عملی (ارزش ذاتی) رویکرد حسابرسی ریسک تجاری بیش از سایر ابعاد مشروعیت اتفاق نظر دارند.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به بررسی کارایی رویکرد حسابرسی ریسک تجاری بر اساس ابعاد تئوری مشروعیت گرینوود و همکاران در بین صاحب‌نظران حسابرسی ایران پرداخت. همان‌طور که بیان گردید در جهت انتخاب خبرگان محدودیت‌های خاصی اعمال شد و نهایتاً موضوع پژوهش بر اساس پرسشنامه‌ی تکمیل شده ۳۱ صاحب‌نظر و در بازه زمانی سال ۱۴۰۰ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. آثار علمی نشان داده‌اند که رویکرد حسابرسی ریسک تجاری می‌تواند در ایجاد کارایی در حسابرسی مفید باشد. زیرا حسابرس بر روی ریسک‌های جامع و پیچیده در گزارش‌های مالی یا در سطح نهاد تمرکز می‌کند. این آگاهی می‌تواند انتخاب روش‌های حسابرسی را بهبود بخشد و منابع حسابرسی را بدون اتلاف یا حسابرسی بی‌رویه تأمین کند. چنین درک جامعی از صاحبکار وسیله‌ای است که به حسابرسان یاری می‌رساند تا نه تنها ارزیابی ریسک، بلکه تفسیر شواهد حاصل از آزمون‌های اساسی را بهبود بخشند. چهار شرکت بزرگ حسابرسی نیز بیان

«ما از چند سال پیش از حسابرسان ارشد خود خواسته‌ایم تا مهمترین مسائل شرکت را روی دو یا سه برگه خالی بنویسند و این فرایند را تکرار کنند. در واقع مشخص شود ما با چه موضوعی سروکار داریم؟ این شرکت چیست، الگوی کسب و کار چیست، سهام‌داران چه کسانی هستند، بازار چیست، چگونه بازار را توصیف کنیم؟ در واقع می‌بایست رویکرد فکری داشته باشیم». این نقل‌قول‌ها نشان می‌دهد که برخی خبرگان بازنگری اساسی در روش‌هایی را تجربه کرده‌اند که در آنها رویکرد حسابرسی به سمت «حسابرسی ریسک تجاری» تمایل دارد. نقل‌قول آخر به ویژه نشان می‌دهد که انجام این تغییر ذهنی ممکن است از نظر فکری چالش‌برانگیز باشد. نقل قول زیر نیز در این زمینه است:

«سیار دشوار بود (هنوز هم هست) که یک حسابرس مسن‌تر، رسیدگی را با برنامه حسابرسی شروع کند. ممکن است سال‌ها طول بکشد تا رویکرد سنتی را فراموش کنند و برخی از حسابرسان قدیمی هرگز نمی‌توانند رویکرد سنتی را کنار بگذارند؛ اما در هر صورت باید ذهنیت آنها را تغییر داد».

در راستای این تفکر که نهادینه‌سازی «حسابرسی ریسک تجاری» نیازمند تغییر ذهنی است، بسیاری از خبرگان بر لزوم آموزش جدید حسابرسان و دستیابی به این تغییر تأکید دارند و می‌گویند:

«اکثر حسابرسان چندان آموزش ندیده‌اند و ممکن است نتوانند تمام نکات اصلی ریسک‌های تجاری شرکت را تشخیص دهند، لذا نیاز به مدرسان اجرایی خیره و برنامه مناسب داریم تا این رویکرد حسابرسی جامعیت پیدا کند».

لذا در این بُعد نیز آموزش لازمه تحقق تغییر حسابرسی است و سبب بازتعریف مرزهای تخصصی حسابرسی می‌شود و این امر را به سمت مشاوره سوق می‌دهد. تأکید بر اینکه این تغییر، مستلزم «روشی کاملاً جدید برای میل به مسایل» است، مباحث مرتبط با کنارگذاری روش سنتی نحوه انجام حسابرسی را نیز آشکار می‌کند. خلاصه اینکه خبرگانی که تغییر به سوی «حسابرسی ریسک تجاری» را انجام می‌دهند، اغلب موضوعات مربوط به تغییر ذهن را نیز مورد بحث قرار می‌دهند. ذهن برای نهادینه‌سازی یک رویکرد نوین، عنصری مهم تلقی می‌شود. بسیاری از خبرگان تأیید نمودند که «حسابرسی ریسک تجاری» روش صحیح انجام حسابرسی است و مشاهده شد که خبرگان در ارزیابی‌شان در خصوص اینکه حداقل برخی از تفکرات «حسابرسی ریسک تجاری»، روش «طبیعی» و «درست» انجام حسابرسی است، اختلاف نظری ندارند. نظرات فوق به همراه نتایج آماری که پیش‌تر ارائه گردید موید پذیرش مشروعیت شناختی این رویکرد طبق دیدگاه خبرگان می‌باشد.

این راستا همچنین گزیده نقل قول‌های خبرگان جهت تفسیر و بررسی دقیق‌تر ارائه گردید. نتایج بدست آمده حکایت از آن داشت که نهادینه‌سازی یک رویکرد نیاز به تغییر ذهنیت حسابرسان دارد و بسیاری از خبرگان تأیید نمودند که «حسابرسی ریسک تجاری»، روش صحیح و طبیعی انجام حسابرسی است. از این منظر و با توجه به نتایج آماری، مشروعیت شناختی رویکرد حسابرسی ریسک تجاری نیز مورد پذیرش خبرگان واقع گردید. مورد با اهمیت در خصوص هر سه بُعد مورد بررسی، تأکید خبرگان بر آموزش پرسنل حسابرسی جهت آشنایی با مهارت‌های ارزیابی ریسک تجاری صاحبکار و سیستم کنترل داخلی مناسب صاحبکار بود. از طرف دیگر به نظر می‌رسد وجود فناوری مانند نرم‌افزارهای حسابرسی که امروزه در کشورهای پیشرو در سطح بین‌المللی به‌منظور رسیدگی‌های حسابرسی رایج است، کمک شایانی به اجرای مناسب‌تر این رویکرد در کشور نماید.

با توجه به عدم انجام پژوهشی مشابه در داخل کشور، امکان بررسی نتایج پژوهش با پژوهش‌های داخلی میسر نمی‌باشد؛ اما در مورد پژوهش‌های بین‌المللی، نتایج پژوهش حاضر با پژوهش دی‌مارتینز و حوقتون (۲۰۱۹) و ون‌بورن و همکاران (۲۰۱۸) از لحاظ آنکه حسابرسی ریسک تجاری منجر به کارایی در رسیدگی‌های حسابرسی و رفع حسابرسی بیش از حد می‌شود، همسو است.

۶-۱- پیشنهادات کاربردی پژوهش

- ✓ استفاده از ریسک تجاری و ارزیابی آن توسط حسابرس مستقل در رسیدگی‌های حسابرسی عملاً نیازمند زیرساخت‌هایی می‌باشد که صاحبکار نیز می‌بایست برای حسابرس مستقل ایجاد نموده باشد که این زیر ساخت‌ها شامل اطلاعات مالی شرکت به صورت جزئیات اطلاعات اسناد حسابداری بوده تا بر مبنای آن حسابرس مستقل بتواند ریسک‌های سنجش شده صاحبکار را مورد ارزیابی قرار داده و میزان قابل اتکا بودن را تعیین نماید و مبنایی برای برنامه‌ریزی کار قرار دهد.
- ✓ ضمانت اجرایی اعلام اطلاعات در بستر مدنظر که تمام شرکت‌های بورسی و زیر مجموعه‌های آنها (شرکت‌های بورسی و خارج از بورس) را شامل می‌شود با سازمان بورس می‌باشد و کارکرد سازمان را در این راستا دو چندان می‌نماید. بدین منظور به سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد تدوین دستورالعمل‌های لازم در خصوص الزامات بند فوق به شرکت‌های مزبور با توجه به زمان-های لازم (حداقل دوره‌های ۶ و ۱۲ ماهه) ارائه می‌شود.

نمودند که روش حسابرسی ریسک تجاری برای توجه کامل به پویایی و افزایش پیچیدگی محیط‌ها و صنایع تجاری مختلف ضروری است. از این منظر توسعه «حسابرسی ریسک تجاری» پیرامون افزایش کیفیت حسابرسی است. برای بررسی کارایی این رویکرد در کشور ایران، ما از چارچوب تغییر نهادی گرینوود و همکاران استفاده نمودیم. تئوری این محققان دریچه‌ای برای درک تجارب و نگرش خبرگان حسابرسی در مورد میزان موفقیت و کارایی «حسابرسی ریسک تجاری» در دستیابی به ابعاد مشروعیت (هنجاری، عملی و شناختی) است. لذا سوالات اصلی پژوهش نیز بر اساس ابعاد مطرح شده پایه‌ریزی گردید. مشروعیت هنجاری (نظریه‌پردازی تغییر به سمت رویکرد جدید)، کمبودها و نقص‌های رویکرد حسابرسی فعلی کشور و ادغام رویکرد حسابرسی ریسک تجاری با این رویکرد را بررسی نمود؛ مشروعیت عملی (ارزش ذاتی)، انتشار و نفوذ دیدگاه‌های ریسک تجاری در عملکرد و رویه حسابرسی از طریق استانداردهای حرفه‌ای و همچنین کارایی اجرای (رسیدگی) حسابرسی را مورد بررسی قرار داد و نهایتاً مشروعیت شناختی (روش طبیعی انجام حسابرسی)، تغییر ذهنیت حسابرسان برای نهادینه‌سازی رویکرد جدید را بررسی نمود.

نتایج بدست آمده در خصوص پرسش اول پژوهش (مشروعیت هنجاری حسابرسی ریسک تجاری) نشان داد که میانگین پاسخ‌های خبرگان ۳.۶۱ است و این مقدار از میانگین بی اثر ۳ (بر اساس طیف لیکرت پنج گزینه‌ای) بیشتر است. در این راستا همچنین گزیده نقل قول‌های خبرگان جهت تفسیر و بررسی دقیق‌تر ارائه گردید. نتایج بدست آمده حکایت از آن داشت که رویکرد فعلی حسابرسی کشور دارای کمبودهایی است و مشروعیت هنجاری رویکرد حسابرسی ریسک تجاری مورد پذیرش خبرگان واقع شده است. نتایج بدست آمده در خصوص پرسش دوم پژوهش (مشروعیت عملی حسابرسی ریسک تجاری) نشان داد که میانگین پاسخ‌های خبرگان ۳.۷۸ است و این مقدار از میانگین بی اثر ۳ (بر اساس طیف لیکرت پنج گزینه‌ای) بیشتر است. در این راستا همچنین گزیده نقل قول‌های خبرگان جهت تفسیر و بررسی دقیق‌تر ارائه گردید. نتایج بدست آمده حکایت از ارزشمندی لحاظ کردن ارزیابی ریسک‌های تجاری در رسیدگی‌های حسابرسی و نفوذ این رویکرد از طریق استانداردها در رویه‌های حسابرسی داشت؛ لذا مشروعیت عملی رویکرد حسابرسی ریسک تجاری مورد پذیرش خبرگان واقع گردید. نهایتاً نتایج بدست آمده در خصوص پرسش سوم پژوهش (مشروعیت شناختی حسابرسی ریسک تجاری) نیز نشان داد که میانگین پاسخ‌های خبرگان ۳.۲۹ است و این مقدار از میانگین بی اثر ۳ (بر اساس طیف لیکرت پنج گزینه‌ای) بیشتر است. در

صورت مواجهه با بندهای عدم توافق) و مدت زمان بیشتری را برای رسیدگی خواهد داشت. این اقدام در کنار ارزیابی جامع ریسک تجاری صاحبکار می‌تواند رویه فعلی حسابرسی کشور را بهبود بخشد.

✓ کارکرد مؤثر ارزیابی ریسک تجاری را می‌توان هم برای مؤسسات حسابرسی دانست که از تجمع امور حسابرسی در یک بازه زمانی خاص جلوگیری نموده و هم منجر به رسیدگی کارا و اثر بخش برای حسابرسان شده که در نهایت کیفیت گزارش حسابرسی را با هزینه‌ای کمتر نسبت به حسابرسی سنتی برای ذینفعان در پی دارد.

فهرست منابع

* آذین‌فر، کاوه؛ قدرتی زوارم، عباس و محمد نوروزی (۱۳۹۸). تأثیر ابعاد ریسک بر قیمت‌گذاری حسابرسی. نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۱۱، شماره ۴۴، صفحات ۱۷۴-۱۵۵.

* الفتی، سمیرا و فریدون اوحدی (۱۴۰۱). طراحی مدل پیش‌بینی ریسک تجاری با استفاده از تکنیک‌های یادگیری ماشینی. نشریه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال ۱۱، شماره ۴۲، صفحات ۱۳۴-۱۲۱.

* خلیلیان موحد، سمیه و مجتبی سلیمانی مارشک (۱۳۹۴). رویکرد ریسک تجاری؛ رویکردی نوین جهت افزایش کیفیت حسابرسی. نشریه مطالعات حسابداری و حسابرسی، سال ۴، شماره ۱۶، صفحات ۱۲۵-۱۰۵.

* Al-Qudah, L.A. (2021). The Impact of Business Risk-Based Audit Approach on Reducing

* Unsystematic Risks: Evidence from Jordanian Banks. *Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 8(1), 343-352.

* Chang, H., Kao, Y.-C., Mashruwala, R., & Sorensen, S.M. (2018). Technical Inefficiency, Allocative Inefficiency, and Audit Pricing. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 33(4), 580-600.

* Curtis E., Humphrey, C., & Turley, W. S. (2016). Standards of Innovation in Auditing. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 35(3), 75-98.

* DeMartinez, M., & Houghton, K. (2019). The Business Risk Audit Approach and Audit Production Efficiency. *A Journal of Accounting, Finance and Business Studies*, 55(4), 734-782.

* DiMaggio, P. J., & Powell, W. W. (1991). The iron cage revisited: Institutional isomorphism and collective rationality in organizational fields. In *The New Institutionalism in Organisational Analysis*, edited by W. W. Powell and P. J. DiMaggio, 63-82. Chicago, IL: The University of Chicago Press.

* Durocher, S., & Gendron, Y. (2014). Epistemic commitment and cognitive disunity toward fair-value accounting. *Accounting and Business Research*, 44(6), 630-655.

همچنین به این سازمان پیشنهاد می‌گردد در خصوص هرچه بهتر شدن استفاده از بستر موردنظر، با ایجاد کارگروه‌های تخصصی و بر اساس اطلاعات دریافتی از شرکت‌ها، برای ریسک‌های تجاری هر صنعت کدینگ-بندی‌های متحدالشکلی را تهیه و در قالب دستورالعمل به شرکت‌های مزبور با توجه به دوره‌های فوق اعلام نماید. ایجاد دامنه قابل دسترس برای مؤسسات حسابرسی معتمد بورس در بستر موردنظر جهت ارزیابی ریسک تجاری نیز مؤثر خواهد بود.

✓ ضمانت اجرایی این امر که حسابرسان مستقل بر مبنای ارزیابی ریسک تجاری اقدام به حسابرسی نمایند با جامعه حسابداران رسمی ایران و سازمان حسابرسی می‌باشد تا مؤسسات را متعهد به انجام این نوع حسابرسی نمایند. در این راستا به نهادهای فوق پیشنهاد می‌شود در زمان ارزیابی مؤسسات حسابرسی این مهم را در نظر بگیرند که میزان استفاده از ابزارهای ریسک تجاری توسط مؤسسات تا چه اندازه بوده و امتیاز مناسبی به آن اختصاص دهند. از سوی دیگر تهیه چک-لیست‌های لازم در این خصوص و ابلاغ آنها به مؤسسات حسابرسی نیز مؤثر خواهد بود.

✓ در راستای اهمیت ریسک تجاری و التزام مؤسسات حسابرسی به انجام رسیدگی حسابرسی مبتنی بر ریسک تجاری، به جامعه حسابداران رسمی ایران پیشنهاد می‌گردد در صورتی که صاحبکار، گزارش ریسک تجاری تهیه ننموده باشد و یا اطلاعات اولیه آن را در بستر مذکور وارد نکرده باشد مؤسسات حسابرسی معتمد بورس از پذیرش اینگونه صاحبکاران امتناع ورزند.

✓ لازمه قابل اتکا بودن به اطلاعات اولیه صاحبکار، به نهایی بودن این اطلاعات است به طوری که پس از ایجاد اطلاعات در بستر مدنظر، دیگر اطلاعات جدید تزریق نشده و آن اطلاعات (صورت‌های مالی حسابرسی نشده) به عنوان اطلاعات نهایی قلمداد گردد و در اختیار حسابرس مستقل قرار گیرد. به جهت قابل اتکاتر بودن اطلاعات اعلامی توسط صاحبکار لازم است این اطلاعات، همزمان در یک سامانه مانند سامانه مودیان (سازمان امور مالیاتی) نیز درج گردد. با این اقدام، ثبت هرگونه رویداد در کسب و کار صاحبکار، قابلیت تغییر چندین باره و تزریق مجدد نداشته و لذا اطلاعات برای حسابرس مستقل، نهایی تلقی می‌گردد (عدم امکان تعدیل توسط صاحبکار مگر به تشخیص حسابرس و در

- * Durocher, S., Gendron, Y., & Picard, C. F. (2016). Waves of global standardization: Small practitioners' resilience and intra-professional fragmentation within the accounting profession. *AUDITING: A Journal of Practice & Theory*, 35(1), 65–88.
- * ECIIA, European Confederation Institutes of Internal Audit (2020). Risk in Focus 2020: Hot topics for internal auditors.
- * Greenwood, R., Suddaby, R., & Hinings, C. (2002). Theorizing change: The role of professional associations in the transformation of institutionalized fields. *Academy of Management Journal*, 45(1), 58–80.
- * International Auditing and Assurance Standards Board (IAASB) (2019). International Auditing Standards (ISA 315), Identifying and Assessing the Risks of Material Misstatements Through Understanding the Entity and its Environment, available at: <https://www.iaasb.org/publications/isa-315-revised-2019-identifying-and-assessing-risks-material-misstatement>.
- * Knechel, W. R. (2007). The Business Risk Audit: Origins, Obstacles and Opportunities. *Accounting, Organizations and Society*, 32(4–5), 383–408.
- * LE, T. T., & Nguyen, T. M. A. (2020). The Adoption of Risk Based Audit Approach in the Independent Audit Firms: A Study of Case of Vietnam. *Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 7(2), 89-97.
- * Malsch, B., & Gendron, Y. (2013). Re-theorizing change: Institutional experimentation and the struggle for domination in the field of public accounting. *Journal of Management Studies* 50(5), 870–899.
- * Patton, M. Q. (2015). *Qualitative Research and Evaluation Methods*. 4th edition. Los Angeles, CA: SAGE.
- * Suchman, M. C. (1995). Managing legitimacy: Strategic and institutional approaches. *The Academy of Management Review*, 20(3), 571–610.
- * Suddaby, R., Bitektine, A., & Haack, P. (2017). Legitimacy. *The Academy of Management Annals*, 11(1), 451–478.
- * Van Buuren, J., Koch, C., Van Nieuw Amerongen, N., & Wright, A. (2014). The use of business risk audit perspectives by non-Big 4 audit firms. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33(3), 105–128.
- * Van Buuren, J., Koch, C., Van Nieuw Amerongen, N., & Wright, A. (2018). Evaluating the Change Process for Business Risk Auditing: Legitimacy Experiences of non-Big 4 Auditors. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 37(2), 249–269.
- * Wright, W. F. (2016). Client business models, process business risks and the risk of material misstatement of revenue. *Accounting, Organizations and Society*, 48, 43-55.



Accounting Knowledge & Management Auditing

Vol. 13/ No. 52/ Winter 2024

Efficiency of business risk auditing approach in Iran based on the dimensions of legitimacy theory

Shoeyb Rostami OstadKelayeh

Department of Accounting, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran
sh.rostami@qiau.ac.ir

MohammadAli Aghaei

Associate Professor of Accounting, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
(Corresponding Author)
aghaeim@modares.ac.ir

Kumars Biglar

Assistant Professor, Department of Accounting, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran
kumars.biglar@gmail.com

Abstract

Business risk auditing (BRA) is an important innovation in auditing methodology. This approach emphasizes addressing a wide range of business risks in order to gain a more comprehensive understanding of the client in a structured way. The main purpose of this study is to investigate the efficiency of business risk auditing approach in Iran based on the dimensions of Greenwood et al. legitimacy theory. This theory is a window to understand the experiences and attitudes of auditing experts about the success and efficiency of "business risk auditing" in achieving the dimensions of legitimacy (normative, practical and cognitive). The method of the present research is fundamental in terms of purpose and exploratory and survey in terms of nature. The statistical sample of the research is 31 auditing experts of the country and the data collection tool is a researcher-made questionnaire containing 19 questions in three dimensions of normative legitimacy, practical legitimacy and cognitive legitimacy of BRA, which was conducted in 2021. SPSS software version 25 was used to analyze the research data. The results indicate that the BRA approach has legitimacy and is accepted in all three dimensions of normative, practical and cognitive according to experts and statistical findings. In the normative dimension, considering the shortcomings of the current audit method of the country, the integration of the BRA approach in the current audit method is promising. In practical terms, the BRA approach has intrinsic value and helps reduce underlying tests and eliminate over-auditing; Finally, in the cognitive dimension, the BRA approach is a natural and correct method of auditing and depends on a change of mindset to be institutionalized in the auditing culture.

Keywords: Business risk audit; Normative, practical and cognitive legitimacy; Audit production efficiency; Auditee business risk.